

وزیر فرهنگ در اختتامیه عهدواره چله مهدویت:

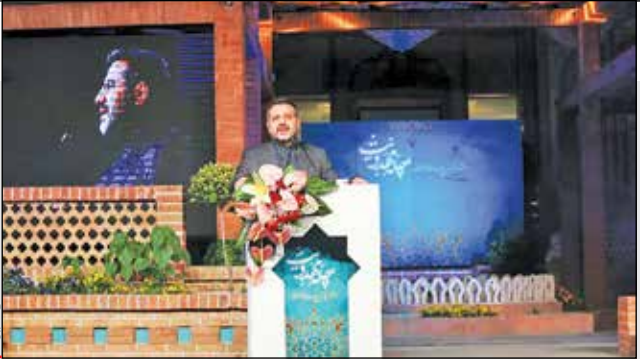
ترسیم موضوع مهدویت سرشار از مفاهیم ناب فرهنگی و هنری است

گروه فرهنگی: مراسم اختتامیه عهدواره چله مهدویت با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در رواق شهادت حوزه هنری برگزار شد. به گزارش مرکز روابط عمومی و اطلاع‌رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، محمدمهدی اسماعیلی، طی سخنانی در این مراسم، درباره برپایی عهدواره چله مهدویت گفت: این رویداد که به همت مسئولان اداره کل فرهنگ و ارشاد استان تهران برگزار شده است می‌تواند الگوی مناسبی برای برپایی در سایر مراکز استانی وزارت فرهنگ و ارشاد

اسلامی باشد و امیدواریم سایر مدیران کل فرهنگ و ارشاد استان‌ها نیز از این عهدواره الگو بگیرند. او در ادامه خاطر‌نشان کرد: برپایی عهدواره چله مهدویت، ایده جذابی به حساب می‌آید و در دولت مردمی باید اینچنین ابتکاراتی را بیش از گذشته شاهد باشیم. اسماعیلی افزود: اینکه امروزه گفتمان مهدویت به‌عنوان تفکری ناب در دنیا مورد توجه قرار می‌گیرد از برکات انقلاب اسلامی محسوب می‌شود. از سوی دیگر اساس اندیشه انقلاب اسلامی که از سوی امام خمینی(ره) نهادینه شده

مبتنی بر تفکر مهدویت است و در نتیجه امروز شاهد هستیم در قالب نظام مقدس جمهوری اسلامی، مسأله ولی فقیه نمود یافته است.

عضو شورای انقلاب فرهنگی تصریح کرد: از آنجا که فلسفه سیاسی جمهوری اسلامی مبتنی بر حضور امام حی و توفیق درک امام معصوم است، ترسیم موضوع مهدویت و فضای غیبت امام عصر(عج) سرشار از مفاهیم ناب فرهنگی و هنری است که همه این مفاهیم را می‌توان بخوبی با زبان هنر بیان کرد. وزیر فرهنگ



علیرضا زاکانی

ایران

عهدواره سراسری چله مهدویت با حضور محمدمهدی اسماعیلی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، محمد خراسانی‌زاده مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان تهران و جمعی از برگزیدگان این جشنواره در رواق شهادت حوزه هنری برگزار شد.

بنا بر این گزارش، نخستین عهدواره چله مهدویت در ۱۶ رشته و در ۱۶ شهرستان استان تهران برگزار شد که هر شهرستان دبیرخانه یکی از بخش‌های این جشنواره شد. دبیرخانه نقاشی در شهرستان فیروزکوه، نمایش آیینی شهرستان دماوند، آواها و نواها شهرستان ورامین، فیلم شهرستان پاکدشت، خوشنویسی شهرستان ری، شعر شهرستان شمیرانات و محیط‌آرایی شهرستان قدس مستقر بودند. نقش مهدویت و انتظار در ایجاد پیشرفت، تحرک و بالندگی در جامعه، امید به آینده

در جامعه مهدوی، عدالت‌گستری به‌عنوان شاخصه اصلی آرمان مهدویت، انقلاب اسلامی مردم ایران زمینه‌ساز انقلاب جهانی موعود، بیانیه گام دوم و حرکت به سمت تمدن نوین اسلامی به‌عنوان مقدمه دولت کریمه، مصونیت بخشی در مواجهه یا انحرافات فکری و عقیدتی مهدویت، جایگاه منجی در مذهب اسلامی و سایر ادیان الهی از جمله محورها و موضوعات محیط‌آرایی شهرستان قدس مستقر بودند. این عهدواره است. همچنین در انتهای این مراسم از دومین پوستر عهدنامه چله مهدویت رونمایی شد.

معاون اعضای صندوق هنر در گفت‌وگو با«ایران» خبر داد

عضویت هنرمندان در صندوق اعتباری هنر لغو نمی‌شود



مریم سادات گوشه/ صندوق اعتباری هنر اواخر زمستان ۱۴۰۰ به خاطر پالایش اعضا و تشخیص هویت اصلی همه اعضا، عضویت جدیدی نمی‌پذیرفت. همین امر باعث شده بود تا بسیاری از هنرمندان و اصحاب رسانه در صف انتظار عضویت جدید صندوق بمانند، اما اکنون مسلم کریمی معاون اعضای این صندوق از عضوپذیری صندوق هنر خبر می‌دهد و درباره شرایط عضویت

هنرمندان و نویسندگان به «ایران» می‌گوید: «صندوق هنر متعلق به فعالان فرهنگی و هنری است و عضویت همه فعالان فرهنگی در صندوق ادامه خواهد داشت و همانند گذشته می‌تواند از خدمات صندوق هنر بهره‌مند شوند. در حال حاضر با توجه به تأییدات مدیریت محترم صندوق مبنی بر بهره‌مندی هنرمندان فعال از پوشش خدمتی صندوق هنر، روند عضویت و ثبت‌نام در صندوق هنر جریان دارد و هنرمندان فعال می‌توانند با مراجعه به ادارات ارائه مستندات فعالیت خود، معرفی‌نامه جهت عضویت در صندوق هنر دریافت نمایند.»

او درباره عضویت اعضا در شهرستان‌ها افزود: «طبق دستورالعمل جدیدی که به استان‌ها ابلاغ شده است، بررسی درخواست‌ها در استان‌ها توسط کارگروه تخصصی مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌گیرد و نتیجه آن به متقاضیان اعلام می‌شود.»

کریمی در ادامه افزود: «پس از دریافت معرفی‌نامه، متقاضیان با مراجعه به تارنمای صندوق هنر نسبت به ثبت‌نام اقدام می‌کنند و پس از بررسی و تأیید کارشناسان صندوق، عضویت هنرمندان در صندوق نهایی شده و به آنها به صورت پیامک اطلاع‌رسانی می‌شود. روند ثبت‌نام، مدارک و مستندات مورد نیاز در درگاه صندوق موجود است و اطلاع‌رسانی شده است. متقاضیان می‌توانند با مطالعه آن با فعالیت‌های صندوق نیز آشنا شوند.»

او درباره فرایند پالایش و ساماندهی اعضای صندوق می‌گوید:«طبق آیین‌نامه صندوق، عضویت اعضای صندوق سه‌ساله است و باید هر سه سال اعضای صندوق نسبت به تمدید عضویت اقدام کنند. بنابراین لازم است اعضای محترم پس از پایان تاریخ عضویت نسبت به دریافت معرفی‌نامه جدید از مراجع تخصصی مثل ادارات کل، وزارتخانه‌ها و… اقدام کنند و با تکمیل پروفایل خودشان در تارنمای صندوق، تمدید عضویت انجام دهند. برای این تمدید عضویت شرط «استمرار فعالیت» در آیین‌نامه دیده شده و لایم است که هنرمندان و اعضای صندوق نسبت به ارائه رزومه و سوابق فعالیت فرهنگی و هنری خودشان در دوره سه‌ساله اخیر اقدام کنند. البته با توجه به شرایط کرونا در این دوره به‌جای دوره سه‌ساله، پنج‌ساله مدنظر قرار گرفته که می‌تواند در پنج سال اخیر هر فعالیتی داشته‌اند را ارائه کنند و عضویت آنها در صندوق تمدید شود.»

بسیاری از هنرمندان که در شرایط کرونا از کار کردن محروم بودند اکنون دغدغه لغو عضویت از سوی صندوق هنرا دارند که کریمی دراین خصوص توضیح می‌دهد:«سیاست وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی گسترش خدمت به هنرمندان است. بنابراین قطعاً و یقیناً اعضای صندوق که فعالیت هنری دارند و شرایط اعلام شده در آیین‌نامه یعنی «استمرار فعالیت» دارند، تحت هیچ شرایطی از صندوق تعلیق یا لغو عضویت نخواهند شد و همانند گذشته از خدمات صندوق بهره‌مند خواهند بود.»

او در ادامه خاطر‌نشان می‌کند:«هدف صندوق هنر از ساماندهی و پالایش که در حال انجام است این است که افراد غیرهنرمندی که به دلایل و با شیوه‌های مختلف برخلاف سیاست‌های حمایتی صندوق از هنر و هنرمند در ادوار مختلف وارد صندوق شده‌اند و از خدماتی که صرفاً حق هنرمندان است استفاده می‌نمایند، شناسایی و حذف شوند.

مواردی که با جعل مدرک یا رانت و… بدون داشتن شرایط، عضو صندوق شده‌اند باید شناسایی و حذف شوند تا بتوانیم خدمات مناسب‌تر و بهتری به هنرمندان ارائه دهیم. بنابراین هنرمندانی که عضو صندوق هستند اصلاً نگران نباشند، چون عضویت آنها با طی فرایندی که اعلام کردیم استمرار خواهد داشت و از خدمات صندوق کماکان برخوردار خواهند بود.»

■ چهارشنبه ۲۱ اردیبهشت ۱۴۰۱

■ سال بیست و هشتم

■ شماره ۷۹۰۴

تفاوت نگاه حجازی‌فرو مهدویان

جنس کارگردانی‌ها با هم فرق دارد. آقای مهدویان به لحاظ بصری سبک و سیاقی دارد که با آن آشنا هستیم؛ جای دوربین، پلان‌های طولانی، ویژگی مستندنا، دوربین‌جست‌وجوگر، خودش را محدود می‌کند و از زاویه‌های متعدد نمی‌گیرد. این محدودیت برایش آورده‌هایی دارد و در عین حال محدودیت‌هایی هم. در این شکل تصویرپردازی جزئیات نمی‌بینیم. خصلت فیلم‌های او شاعرانگی نیست و به تصاویر زیبا فکر نمی‌کند. اولین تجربه کارگردانی هادی حجازی‌فرو اما اصلاً قصد مستندندمانی ندارد، تقطیع پلان‌هایبیشتر از کارهای مهدویان است و فرصت نزدیک شدن به آدم‌ها وجود دارد. در کار مهدویان ماجراها اهمیت بیشتری دارند و در کار حجازی‌فرو اهمیت بیشتر با آدم‌هاست، روی لحظات گذرا مکث می‌کنیم لحظاتی که شاید با معیارهای متعارف دراماتیک لحظات مرده به حساب بیایند. جزئیات مهم هستند. کمی طنز و شوخی دارد. مین‌زینس تصویرپردازی، توجه به پلان‌های زیبا و چشم‌نواز تفاوت‌هایی است که بین کارگردانی آنها وجود دارد.

موقعیت هادی

هادی را خیلی سال است که می‌شناسم، از دوران دانشگاه. از «ایستاده در غبار» رابطه‌مان نزدیک‌تر و دوستانه‌تر شد. همیشه یک نفر طرح و ایده را قبول دارد و نفر دیگر منتقد است. در کارهای مهدویان هادی به عنوان بازیگر همیشه دید انتقادی به فیلمنامه داشت و مدام درباره کاراکتری که قرار است بازی کند و گاهی روی کل فیلمنامه نظر می‌داد، نقد می‌کرد، پرسش مطرح می‌کرد. مهدویان هم او‌رها می‌کرد تا شاهد این گفت‌وگو باشد. من هم در موضع کاملاً دفاعی قرار داشتم و از حریم فیلمنامه پاسداری می‌کردم. در «موقعیت مهدی» موقعیت‌مان برعکس شد. فرصتی پیش آمد تا تلافی‌کنم (خنده). پیشنهاد به او شده بود و هادی از موضوع شناخت داشت، یک ایده کلی داشت و حال‌وهوایی در ذهنش بود. حالا این فرصت پیش آمده بود که من بیشتر نقش منتقد را بازی کنم و مدام آن چیز موجود را به چالش بکشم. پس از یکی دو نسخه جایمان تغییر کرد و باز هادی منتقد بود و حمله می‌کرد تا از یک نقطه گفت‌وگو به نقطه دیگری برسیم که عیب و ایراد نسخه قبلی را نداشته باشد. همکاری پرچالش و در عین حال دوستانه و لذت‌بخشی بود.

لحظه مهم و مؤثری بر کاراکتر است اما واقعیت این است که این صحنه آنقدر صحنه بزرگی است که نمی‌توانیم به آن نزدیک شویم. در نتیجه می‌رویم سراغ کاراکترهای فرعی و از زبان آنها می‌شویم.

■ **چطور به جنس دیالوگ هر شخصیت رسیدید؟**
دیالوگ‌های شاعرانه بخصوص در رابطه صفيه مدرس و مهدی باکری به عنوان مثال «خستگیات، قرمزی چشمات، کی از بین می‌ره قریونت برم؟ کی اونقدر تو خونه می مونی که نخوام تورو با لباس‌های خیس بدرقه کنم؟»
در پرده «لباس خیس» بر مبنای اسناد و گفت‌وگوهایی است که با شخصیت‌ها داشتید یا حاصل دریافت درست شما از فضای آن دوران است که با نگاه شاعرانه سازندگان گره خورده است. دیالوگ آخر فیلم که بین مهدی باکری و احمد کاظمی برقرار می‌شود چطور؟

بله آن دیالوگ اول به طور مشخص ساخته خود ما است. بر مبنای تصویری است که اسناد برای ما ساخته‌اند، اتمسفری از این رابطه شکل گرفت و این دیالوگ بیرون آمد. دیالوگ دوم کاملاً بر خلاف مبنای واقعیت است. صدای آن موجود است و شاید برخی کلمات تغییرات کوچکی داشته‌اند.

■ **در فرایند تبدیل متن به تصویر، مهم‌ترین مؤلفه‌ای که با اجرا و کارگردانی هادی حجازی‌فرو به متن اضافه شد چه بود؟**
اول نقاش‌انگاری که در فیلم جاری است و حال‌وهوای خوبی به فیلم داده. دوم تصاویر و چشم‌انداز بصری که به فیلمنامه غنا بخشیده و محصول همکاری و همفکری هادی و وحید ابراهیمی (مدیر فیلمبرداری) است.

کنند. تصور کند لابد داریم یک چیزهایی را بر اساس شعار و سفارش می‌سازیم و احساس کند واقعی نیست. ما که در متن نیستیم، قسم بخوریم و بگوییم باور کنید اینها واقعی هستند. برخی وقت‌ها حتی بسیاری از ماجراهای واقعی را کنار می‌گذارشتم برای اینکه رفتار آنقدر بزرگ و توأم با فداکاری و گذشت است که ممکن بود قابل درک نباشد؛ آن هم برای مخاطبی که بعد از ۴۰-۳۰ سال و با پس‌زمینه‌ای از اتمسفر زمان و با سابقه برخی فیلم‌های این ژانر، به آن دوره می‌نگرد.

واقعیت این است که برخی از مخاطبان با بدبینی و بی‌اعتمادی سراغ این فیلم می‌روند. در این بی‌اعتمادی کوفی بود ما به شخصیت‌ها نزدیک شویم و برخی از ابعاد وجودی‌شان را که به اصطلاح زیادی مثبت است ببینیم، مسلماً مخاطب با پس می‌زد. در نتیجه سعی کردیم با حفظ فاصله این شخصیت را ببینیم، اگر نزدیک‌تر می‌شدیم، ممکن بود مخاطب باور نکند.

■ **جهایی هم که بالاچار قصه به باورها و اعتقادات شما در فیلم می‌شوید مثل صحنه سکانس خواستگاری در پرده «کلت کمری» یا اتفاقی شبیه سکستن ظرف یا همان پرده «من مهدی باکری نیستم» سعی کردید این فضا را بشکنید یا آن را قابل باور کنید.**

بله. خود همین پرده و صحنه یکی از مصداق‌های دور شدن از مهدی باکری است. بعد از اینکه حمید شهید می‌شود و مهدی باکری می‌گوید همه اجساد را برگردانید اگر نه برادر من را هم برگردانید این صحنه حتماً باید در فیلم باشد. ما باید حتماً این لحظه را می‌دیدیم، چون

زندگی مهدی باکری بپردازیم و همه جنبه‌ها را ببینیم. مهدی کاراکتر اصلی‌تر ما است و نسبت به حمید به او نزدیک‌تر هستیم. اینکه شما نسبت به کاراکتر حمید حساس و کنجکاو می‌شوید که بیشتر درباره او بدانید باعث خوشحالی ما است چرا که تمام آنچه مهدی بعد از شهادت حمید تجربه می‌کند متأثر از حمید است.

حمید به عنوان کاراکتر مکمل، بار احساسی پر دوش کاراکتر اصلی می‌اندازد که تا پایان فیلم همراه او است یعنی مهدی بعد از شهادت حمید، البته که زمان فیلم فضای فیلم هم فضای قبل نیست. البته که زمان فیلم محدود بود و نمی‌شد با جزئیات به زندگی حمید و علی بپردازیم همچنان که درباره مهدی هم فقط چند برش می‌بینیم. «موقعیت مهدی» فیلم برتره نیست با داعیه فیلم‌زندگینامه‌ای ندارد. نمایش چند موقعیت و لحظه از زندگی مهدی و حمید باکری است. در سریال وقت و فرصت آن را داریم که روایت‌های متفاوت با کاراکترهای فرعی ببینیم.

■ **مسئله برای هر کس رفتن سراغ چنین شخصیت‌هایی با نگرانی‌های شخصی همراه است. بزرگ‌ترین دغدغه و نگرانی شما در پرداختن به زندگی شهید باکری چه بود؟**
نگران نبودید که چطور می‌توان از پس تصویر این حجم تنهایی و موقعیت عجیب برآمد؟ دلیل فاصله گرفتن از کاراکترها و اینکه همیشه آنها را در نمای دور می‌بینیم و خیلی به خلوت‌شان ورود نمی‌کنیم به همین خاطر است؟

درک آدم‌های بزرگی مثل باکری‌ها کار سختی است. اگر به آنها خیلی نزدیک شویم ممکن است مخاطب باور

ابراهیم امینی با نگارش سه فیلمنامه (مرد بازنده، موقعیت مهدی و دسته دختران) پرکارترین فیلمنامه‌نویس چهلمین جشنواره فیلم فجر بود. او که در سال‌های اخیر همکاری زیادی با هادی حجازی‌فرو پویژه در آثار محمد حسین مهدویان داشته، در اولین تجربه کارگردانی حجازی‌فرو «موقعیت مهدی» را برای او نوشته؛ فیلمی که در چند پرده به پرش‌هایی از زندگی مهدی باکری فرمانده لشکر ۳۱ عاشورا می‌پردازد. امینی که این دوران دانشگاه با هادی حجازی‌فرو آشنا شده، او را برای بازی در «ایستاده در غبار» به مهدویان معرفی کرده و به نوعی زمینه‌ساز حضورش در سینما شده در کب وگفتی با روزنامه ایران از همکاری با هادی حجازی‌فرو در مقام کارگردان گفته است.

■ **باور عمومی این است که یک نویسنده یا کارگردان با نوشتن فیلمنامه یا ساخت اثر به آقای معنای مورد نظرش دست پیدا می‌کند. با توجه به شرایط و محدودیت‌ها چقدر این فرصت انتخاب برای شما به عنوان نویسنده و فیلمنامه‌نویس وجود دارد که سراغ دغدغه‌هایتان بروید؟**

سعی می‌کنم علاقه‌مندی‌های خودم را در پیشنهادها پیدا کنم، دنبال کلیدی هستم برای ورود به جهان آن کار، گاهی اوقات این کلید پیدا می‌شود و همکاری شکل می‌گیرد و برخی وقت‌ها هم نه. «موقعیت مهدی» اول که به هادی پیشنهاد شد که سابقه شناخت و علاقه زیادی به موضوع داشت.

■ **اگر در «موقعیت مهدی» پیگیر این نگاه و دغدغه یا کلید ورود شما به دنیای فیلم باشیم به کجای می‌رسیم؟**

نکته کلیدی تمرکز روی روابط خانوادگی بود. عموماً مخاطب وقتی می‌شود فیلمی درباره باکری‌ها ساخته شده تصورش این است که با فیلم تمام‌عیار جنگی در خاکریز مواجه است. از همان ابتدا تصمیم گرفتیم با این پیش‌داوری بازی نکنیم، قضاوت قبل از فیلم را به چالش بکشیم و کاری طراحی کنیم که اگرچه درباره فرماندهان جنگ است اما بر خلاف انتظار در جنگ نمی‌گردد.

پرداختن به خانواده منظر تازه‌تری به نظر می‌آمد و تأکید روی خانواده و تمرکز روی رابطه دو برادر که سرنوشت تکان‌دهنده و عجیبی دارند ذاتاً این پتانسیل را داشت.

■ **این منظر محصول زیست و ویژگی‌های شخصیت شهید مهدی باکری بود یا حاصل انتخاب و زاویه نگاه شما؟**
خاطره‌گویی که خیلی از داستان، باکری‌ها قصه سه برادری بود که شهید شده‌اند و جنازه هیچ‌کدام به خانه برنگشته است، همین خصوصیت خیلی تکان‌دهنده، دراماتیک و عجیب است. در واقع خود موضوع به ما می‌گفت به چه مسیری برویم البته که می‌توانستیم این مؤلفه را نادیده بگیریم و فیلم را به طور کامل به فضای جنگ ببریم.

■ **۳ برادر از یک خانواده که جنازه هیچ‌کدام به خانه بازنگشته است؛ همان طور که گفتید این مؤلفه به تنهایی جذابیت و کشش داستانی دارد. دور از انتظار نیست که به خاطر جنبه‌های سیاسی و حساسیت برانگیز سراغ علی نرویی، «موقعیت مهدی»، اما می‌توانست موقعیت حمید هم باشد. حتی به صورت گذرا در نگاه فرماندهان آن دوره به سابقه او هم اشاره باید. کدهایی که از او می‌دید کنجکاو مخاطب را نسبت به شخصیت حمید بیشتر می‌کند. در عین حال به نظر می‌رسد سعی کردید خیلی به حمید نزدیک نشوید. با وجود این حس مخاطب درگیر او می‌شود، حتی به نوعی قهرمان قصه می‌شود. حفظ این فاصله هر چه مبنایی بود؟**

نه نسبت به حمید بلکه حتی نسبت به خود مهدی هم فاصله داریم. این جزو تصمیم‌هایی است که در مرحله فیلمنامه‌گرفتم به این معنی که به جنبه‌ای از

مباحثه صریح مسعود فراستی با چهار کارگردان فیلم کوتاه

مرگ بر کلوزآپ!

فرهنگی/ اولین جلسه با فصل هفتم باتوق فیلم کوتاه دوشنبه ۱۹ اردیبهشت‌ماه با نمایش فیلم‌ها کوتاه داستانی «ماسک» به کارگردانی نوا رضوانی، «کپسول» به کارگردانی امیر پذیرفته، «گناه» به کارگردانی ابوالفضل عزیزز و انیمیشن کوتاه «پیش از بهشت» به کارگردانی احمد حیدریان در پردیس سینمایی جارسو برگزار شد و مسعود فراستی به نقد صریح این آثار در حضور کارگردانان این آثار پرداخت.

■ **انهام نزنید؛ تا انتها فیلم را دیدم!**

مسعود فراستی در نقد فیلم کوتاه «ماسک» گفت: معتقدم اگر هر موضوعی در فرم هر فیلمی جاگیر شود،